

شیوه برخورد ترکیه با بحرانهای در هم تنیده در هزاره جدید

اتحادیه اروپا، ایفای نقش به عنوان بازوی نظامی و پایگاه راهبردی آمریکا، احیای بان ترکیسم و بالاخره تلفیق ضرورت‌های جهان مدرن با سنت‌های بومی از جمله انتخابات‌هایی بوده که به اقتضای ساختار نظام

بین الملل و علایق فکری رهبران ترکیه، مورد توجه این کشور واقع شده است. کتابی که بررسی و نقد آن را در پی می‌خوانید از جمله منابع بسیار دقیق و جدیدی است که معضلات و ابتکارات ترکیه در آغازین سال‌های هزاره جدید را بررسی و مطالعه نموده است.

کتاب در قالب هفت فصل سازمان دهی شده و هر کدام از فصول، یکی از ابعاد سیاست و حکومت در ترکیه را مورد تحقیق قرار داده

است. نویسنده کتاب آمیکام ناچمانی است که سال‌های متمادی در زمینه روابط خارجی و جامعه‌شناسی سیاسی ترکیه پژوهش کرده و در دانشگاه‌های معتبر جهان غرب، به تدریس و تحقیق مشغول بوده است. ناچمانی ابتدای هزاره سوم را برای ترکیه بسیار مهم و بدیع معرفی می‌کند، برای اینکه معتقد است ترکیه در آستانه تنشها و چالش‌های متعددی قرار گرفته است. به تعبیر وی، دهه ۱۹۹۰ برای ترکیه بسیار دلپذیر و شیرین بود؛

Amicam, Turkey: Facing a New Milunium, Coping with Intertwined Conflicts, Manchester and New York: Manchester University Press, 2003, 391 pages.

قدیر نصری

دکتری علوم سیاسی و پژوهشگر

مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک

خاورمیانه

جمهوری ترکیه از جمله معدود

کشورهایی است که دستگاه سیاست خارجی

فعال، پرمسئله و پیچیده‌ای دارد. پیشینه

تاریخی ترکیه در جهان اسلام، خاورمیانه و

عرب‌ها در کنار علایق ترک‌ها به

جمهوری‌های ترک تبار قفقاز و آسیای مرکزی

و نیز اشتیاق رهبران ترک به هماهنگی با

کشورهای آن سوی مدیترانه (غربی)، واقعاً

ترکیه را در آستانه‌گزینه‌های راهبردی

متعددی، حیران نگه داشته است. الحاق به

فروپاشی شوروی و پیدایش حدود هشت جمهوری ترک زبان، موضع برتر ترکیه در زمینه مسئله قبرس، بالکان، قفقاز و آسیای مرکزی و نیز دریای اژه در کنار کنترل کردها در داخل و به سازش رسیدن نسبی سکولارها و اسلام‌گرایان همه و همه سبب شدند تا مردم و حکام ترکیه دهه بسیار آرام و

مفیدی را پشت سر بگذارند. به عقیده

ناچمانی دهه اول قرن بیست و یکم، مشابه دهه آخر قرن بیستم نیست، جابه‌جایی‌هایی

در منطق قدرت منطقه‌ای در شرف تکوین است که در مجموع به زیان ترکیه رقم

می‌خورد. شاید به همین دلیل است که ترک‌ها را در انتخابهای خود مردود ساخته

است؛ چرا که آنان به خوبی می‌دانند گزینش بی‌ملاحظه، پشیمانی زیادی در پی خواهد

داشت. آنان دیگر نمی‌توانند به سادگی دهه ۱۹۵۰ که در جنگ کره شرکت کرده و در

ناتو پذیرفته شدند و نیز در ابتدای دهه ۱۹۹۰ که در جنگ علیه عراق همکاری

کرده و به اتحادیه اروپا دعوت شدند (اجلاس هلسینکی در سال ۱۹۹۹) عمل کنند، این

بار فضای منطقه و جهان به شدت تغییر کرده و همین امر اتخاذ راهبردهای چند بعدی،

تدریجی و احتیاط‌آمیز را ضروری ساخته است. عنوان کتاب حاضر، به خاطر همین پیچیدگی‌هاست که کشمکشهای درهم تنیده (Intertwined Conflicts) نامیده شده و فصلهای هفت‌گانه کتاب، هر یک وجهی از این پیچیدگی را به بحث نهاده است، بدین ترتیب:

۱. ترکیه و جنگ دوم خلیج (فارس): رویارویی با کشمکشهای جدید

ناچمانی اولین مبحث کتاب را با ذکر اهمیت ترکیه برای آمریکا آغاز می‌کند. به

نظر ترکیه، این کشور حتی در سالهای پس از فروپاشی شوروی برای آمریکا مهم ماند و این

فرضیه آمریکایی‌های سازنده ترکیه در جنگ علیه عراق در کویت، به اثبات رسید. فقط یک

بخش از همکاری ترکیه با آمریکا در قضیه عراق، مسدود سازی خط لوله عراق بود که

نفت این کشور را به کناره‌های مدیترانه منتقل می‌کرد. اهمیت اقدام ترکیه در این

بود که ۵۶ درصد نفت عراق - در شرایطی که راههای خروجی عراق از خلیج فارس توسط

ایرانیان نابود شده بود - توسط این خط لوله ۹۸۶ کیلومتری منتقل می‌شد (صفحه ۹).

این خط لوله سالانه ۸۰ میلیون تن از نفت صادراتی، یعنی منبع ۹۶ درصد درآمد ارزی را صادر می نمود و مسدود سازی آن نقش مهمی در زمین گیر ساختن ماشین نظامی عراق ایفا نمود. البته هزینه چنین اقدامی برای ترکیه سنگین بود، چون عراقی ها سالانه ۴۰۰ میلیون دلار به ترکیه حق ترانزیت می دادند. ترکیه در کنار این رقم از محل مبادلات مرزی، حمل و نقل و هجوم آوارگان کرد هم متضرر شد که میزان آن را از ۹ تا ۲۵ میلیارد دلار برآورد کرده اند (ص ۲۵). براساس اعلام مقامات ترک، بیکار شدن ۴۰ هزار نفر در ترکیه و نیز سرازیر شدن حدود ۷۰۰ هزار آواره کرد، سبب رکود جدی در اقتصاد این کشور طی بحران سال ۱۹۹۱ شد. در قبال این زبانها ترک ها موفق شدند نیروهای خود را در نواحی مرزی و حتی داخل خاک عراق را از تبدیل شدن به قدرتی قوی در منطقه باز بدارند، آن هم عراقی که قصد داشت زبان ۳۰ میلیارد دلار از قبل جنگ با ایران را به نحوی جبران کند و به قدرت مسلط منطقه ای تبدیل شود (ص ۱۶).

ناچمانی پس از تحلیل آماری جنگ

دوم خلیج فارس، مسئله آب را از جمله دشواریهای ترکیه با همسایگانش عنوان می کند. ناچمانی نشان می دهد که در سال ۲۰۲۰ که پروژه های توسعه مناطق جنوب شرق ترکیه به پایان می رسد، اختلاف بین ترکیه از یک سو و عراق و سوریه از سوی دیگر آغاز خواهد شد؛ چرا که در صورت تکمیل برنامه های ترکیه در ۲۰۲۰، ۸۰ درصد از آب وارده به عراق در داخل ترکیه مصرف خواهد شد و سهم کنونی عراق به ۲۰ درصد میزان فعلی کاهش خواهد یافت. گفتنی است رود فرات سالانه ۳۲ میلیارد مترمکعب و رود دجله سالانه ۳۱ میلیارد متر مکعب آب دارد. در شرایط فعلی ترکیه فقط ۵۰ درصد آب این دو رود بزرگ را استفاده و بقیه را به سمت دو کشور عرب رها می کند (ص ۱۰). عراق از کل آب فرات فقط ۵۸ درصد و سوریه فقط ۴۲ درصد آن را مورد بهره برداری قرار می دهند. اگر سد آتاتورک که پنجمین سد بزرگ جهان است به مرحله بهره برداری برسد و فازهای متعدد آن تکمیل شود، ترکیه می خواهد از طریق آبهای این سد، ۲/۵ میلیون هکتار از زمینهای جنوب شرق کشور را آبیاری کند. یعنی یک چهارم آب وارده به

عراق و سوریه، عملاً صرف آبیاری آن زمینها خواهد شد. افراد و گروههایی در ترکیه پیرو سلیمان دمیرل هستند که می گفت: «آب در این سوی مرزها قرار دارد، بهتر است ساکنان آن سوی مرزها خفه شوند (ص ۱۰). یا اینکه «بهتر است آنها نفت خود را بنوشند و نه آب ما را». مقامات ترکیه در دهه ۱۹۹۰ از آب به عنوان حربه ای علیه تلاشهای تروریستی سوریه استفاده کردند. ترک ها می گفتند: «سوری ها آب را می خواهند چکار، آیا می خواهند دستان خون آلود تروریستها را

بشویند؟!» (ص ۱۱)

ناچمانی دو موضوع اخیر یعنی آب و

رقابتهای تسلیحاتی و نوسازی توان نظامی ترکیه از جمله مباحث تنش انگیز دیگری است که در اولین مقاله کتاب بحث و بررسی شده است؛ به گفته ناچمانی ترکیه قصد دارد با صرف ۱۵۰ میلیارد دلار خود را در مقابل تهدیدها آماده نماید (ص ۱۲). ۶۰ میلیارد دلار از این میزان برای بازسازی نیروی زمینی (خرید ۷۵۰ هلی کوپتر، ۱۸۰ راکت و موشک، ۱۵۰ راکت ضد تانک، ۳۶۰۰ تانک)، ۲۵ میلیارد دلار برای تقویت نیروی دریایی و ۶۵ میلیارد دلار برای تجهیز نیروی هوایی (از قبیل خرید ۶۴۰ جت

رقابت تسلیحاتی را مهم ترین مسایل کشمکش زا در دهه حاضر می بیند که روابط ترکیه با همسایگانش را تحت الشعاع قرار داده است. وی در نقل حوادث گذشته و نیز برنامه های آینده ترکیه، بی طرفی علمی را رعایت نمی کند و گاه شائبه طرفداری از یک طرف بحث را به ذهن متبادر می سازد؛ به عنوان مثال، وی در توضیح اختلاف ترکیه با سوریه و عراق بر سر منابع آبی، به سنت قانونی و حقوقی تسهیم منابع آبی و نیز مصوبات سازمان ملل در زمینه تقسیم آب حتی به اشاره ذکر نمی کند. گفتنی است

فقط در مورد ترکیه نیست که آب کشوری از کشوری دیگر سرچشمه می گیرد؛ به عنوان مثال رود نیل از ده کشور دنیا عبور می کند و از یک کشور فقیر سرچشمه می گیرد، اما طرفین دعوا هیچ وقت بحث انحصار در بهره برداری یا تخصیص منابع آبی را امنیتی نکرده اند. شیوه برخورد دولت ترکیه در این خصوص اهمیت خاصی ندارد، اما دیدگاه نویسنده می تواند سوء تفاهم هایی را منجر شود. مطالعه مقاله پر مغز اول این کتاب، ممکن است نوعی غفلت را یادآور شود و آن اینکه چرا در این فصل از مبحث کردها سخنی میان نیامده است. مطالعه فصل دوم کتاب نشان می دهد که این سوء تفاهم موردی ندارد، چرا که فصل دوم تماماً بدین مبحث مهم و سرنوشت ساز اختصاص یافته است.

۲. موضوع کردها در ترکیه

گذشته و آینده کردهای منطقه خاورمیانه که بیشترین آنان در ترکیه زندگی می کنند، موضوع بسیاری از محافل علمی، سیاسی و امنیتی طی ۱۵ سال اخیر شده است. آغاز خیزش کردها برای

استقلال خواهی و تجزیه طلبی با حزب کارگران کردستان (P.K.K) بود که طی دهه ۱۹۷۰ مبارزات خود را به صورت مسلحانه و در نواحی جنوب شرق ترکیه شروع کردند. ترکیه پس از تحمل ضربات شدید و نیز تنبیه شدید کردها، بالاخره در سال ۱۹۹۹ رهبر پ.ک.ک. را به دام انداخت و بدین ترتیب مسئله کردها از التهاب نخستین خارج شد. اوجالان خواستار کوشش دموکراتیک برای احقاق حقوق کردها گردید و حزب کارگران کردستان، عنوان، فعالیت و کادر خود را دگرگون نمود. مباحث و استدلالهای ناچمانی در خصوص مسئله کردها از آن رو اهمیت دارد که پس از فروپاشی صدام و پذیرش نظام فدرالی برای اداره عراق، گویا کردهای عراقی قصد دارند تا به عنوان موتور محرک و الگوی مقبول کردهای ساکن در سایر کشورها عمل نموده و دولتهای ایران، ترکیه و سوریه را با دشواریهای ناخواسته مواجه سازند. ناچمانی با اشاره به گستردگی و پیچیدگی مسئله کردها، اظهار می دارد که ترکیه مانند درخت بزرگی است که ریشه های متعددی دارد، طی سالهای اخیر همه این ریشه ها در یک راستا رشد می کرد، اما اکنون

هر کدام از ریشه‌ها می‌خواهند رشدی مستقل داشته باشند. تا سال ۱۹۹۱، به تعبیر ناچمانی، موجودیت کردها انکار می‌شد، نام بسیاری از دریاچه‌ها و کوه‌های مناطق کردنشین، ترکی بود و به کردها، ترک‌های کوهی گفته می‌شد و حتی از کردها خواسته می‌شد تا اسامی ترکی بر نوزادان خود بگذارند (ص ۳۳)، بر نشریات آنها محدودیتهای زیادی اعمال می‌گردید و قصد بر این بود که موجودیت ۱۲ میلیون نفر (از ۶۵ میلیون نفر) انکار شود. در چنین شرایطی بود که پ.ک.ک. با برخورداری از حمایت معنوی و مادی کردها در قبال دولت ترکیه سر به شورش گذاشت و ترکیه را به یکی از ناامن‌ترین کشورهای دنیا مبدل ساخت. این حزب با برخورداری از «مالیات انقلابی» (Revolutionary Tax) پانصد هزار نفر از کردهایی که در اروپای غربی به خصوص آلمان زندگی می‌کنند و نیز هدایت ۳۰ تا ۴۰ درصد هرویین مصرفی اروپا، موفق شد نیروهای خود را بسیج نماید و ضمن به چالش خواندن کمالیسم، از کردستان مستقل سخن به میان آورد.

۳. مناسبات فرهنگی - اقتصادی ترکیه با

اتحادیه اروپا

ناچمانی در سومین فصل کتاب خود به یکی از دغدغه‌های دیرین ترکیه یعنی پیوستن به اتحادیه اروپا می‌پردازد. وی با ذکر ارقام و آرایه استدلال‌هایی، مدعی

نویسنده پس از شرح فراز و فرود

می شود که ترکیه و اتحادیه اروپا پیوستگی تجاری - فرهنگی چشمگیری دارند و این پیوستگی پس از جنگ دوم خلیج فارس بیشتر و بیشتر شده است؛ طی دهه ۱۹۹۰، ۵۰ درصد تجارت خارجی ترکیه (به ارزش ۳۷/۵ میلیارد دلار) با اتحادیه اروپا بوده، هر چند تراز بازرگانی دو طرف، به نفع اتحادیه اروپا بوده است؛ به طور مثال ترکیه دو برابر میزان صادرات خود، از اروپا جنس وارد کرده است. از جمله سایر شاخصهای مورد استفاده

نویسنده، مناسبات انسانی - فرهنگی ترکیه و اتحادیه اروپاست که بسیار شایسته توجه است. به گفته نویسنده کتاب، حدود ۲/۵ میلیون نفر از ترک ها در خارج از ترکیه زندگی می کنند که یک میلیون نفر آنها در اتحادیه اروپا بوده و از این میزان ۷۰۰ هزار نفر در آلمان مشغول کارند. در این کشور که میزان ۸ میلیون خارجی است، ۱۰ درصد خارجی ها، ترک ها هستند. سایر کشورها هم به درجه کمتری میزبان جمعیت ترک ها هستند و این توزیع جمعیت سبب شده ترک ها خلاء جمعیتی اتحادیه اروپا را رفع نمایند (ص ۷۸).

محاسن و امتیازات این فصل از کتاب است.

۴. معضل هویت در ترکیه

برخی کشورهای بزرگ و مهم خاورمیانه مانند ترکیه، ایران و مصر از هویت دو گانه ای برخوردارند و همین هویت دو گانه سر منشاء کشمکشهای بسیاری بین ملی گرایان - اسلام گرایان شده است. اسلام گرایان - ملی گرایان هر کدام وارث دین یا ملیت خاصی اند و معتقدند که پارادایم کشورداری در آینده آنها نهفته است و کمتر مقطعی از تاریخ مدرن این کشورها را می توان سراغ گرفت که این دو (اسلام - ملیت) در سازش مولد با هم به سر برده باشند. اما در این میان، مدل ترکیه بسیار

اوضاع اقتصادی ترکیه طی سالهای

استثناست. در این کشور حدود هفت الی هشت دهه از اسلام و اسلام‌گرایی خبری نشد و ملیت ترک در قالب ملی‌گرایی مبتنی بر تعالیم آتاتورک (بنیان‌گذار ترکیه مدرن) گفتمان غالب حاکمیت در این کشور بوده است. علاوه بر چالش بین ملی‌گرایان و اسلام‌گرایان، ترکیه شاهد ستیزش دیگری هم هست؛ بدین ترتیب که الگوی توسعه این کشور الگویی اسلامی است یا غربی. ناچمانی پس از شرح عقاید طرفداران هر یک از این گرایشها، اظهار می‌دارد که ترکیه اساساً کشوری مدرن نیست بلکه بیشتر تمایلات غربی دارد و می‌خواهد با مضمونی سنتی در قالبی مدرن وارد شود (ص ۸۸). بخش دیگری از بحث نویسنده به شرح روابط ایران - ترکیه اختصاص دارد و نویسنده قصد آن دارد تا نسبت اسلام و سکولاریسم در ترکیه و ایران را مقایسه کند. به گفته وی، ایران مخالف سکولاریسم ترکیه بوده و علی‌الاصول آتاتورک را مخالف اسلام معرفی می‌کند و خواهان این است که ترکیه کشوری اسلامی شود تا غربی (ص ۹۹).

ناچمانی ادعا می‌کند که ایران در راستای مقابله با رواج سکولاریسم در ترکیه

معمولاً با این کشور مخالف است و نشانه‌های این تعامل را می‌توان در آسیای مرکزی، حمایت‌های ایران از پ.ک.ک، سوریه، ارمنستان و یونان که جملگی از مخالفان ترکیه هستند، مشاهده کرد (ص ۱۰۴). وی البته به دغدغه‌های ایران در زمینه تمامیت ارضی و پیوستگی‌های راهبردی اشاره‌ای نمی‌کند و بدون ارایه هیچ دلیلی هم‌سویی ایران به سوریه را حرکتی در جهت مقابله با ترکیه معرفی می‌کند. از نظر ایرانیان، ترکیه همسایه قابل اعتمادی برای ایران نبوده و حتی در قبال تعهدات رسمی هم، پایبندی مساعدی نداشته است. ترکیه با استقبال از همکاری با اسرائیل، حزب ملی‌گرایی جمهوری آذربایجان، واکنش‌های ایران را نوعی معارضة با سکولاریسم حاکم بر ترکیه عنوان می‌دارد که به نظر می‌رسد از صبغه علمی مقاله علمی به دور باشد. نکته دیگر اینکه، مقامات ایرانی - به خصوص در دهه ۱۹۹۰ - بدین نکته پی برده‌اند که سکولاریسم متداول در ترکیه به دعوت مسئولان ایرانی به جمهوری اسلامی تبدیل نمی‌شود.

۵. رقبا و شرکای بین‌المللی ترکیه

ملاحظه کرد که تاکنون هیچ کشور مهمی حتی پشتیبانی ضمنی از حرکت کردها نکرده و همه اعلام هم‌دردیها، متضمن سفارش کردها به هم‌زیستی با ترک‌ها بوده است. فراری شدن اوجالان بین کشورهای چوچون سوریه، روسیه، ایتالیا و کنیا نمونه این نفوذ بین‌المللی ترکیه است، کشورهای مختلف دنیا حاضر شده بودند از رهبران سازمانهای مختلف تروریستی استقبال و حتی حمایت کنند، اما نقش بین‌المللی ترکیه مانع چنین اقدامی در خصوص اوجالان شد.

ناچمانی در تشریح شیوه و سطوح مناسبات اقتصادی ترکیه با قدرتهای بزرگ به قراردادهای این کشور با روسیه اشاره می‌کند که براساس فقط یکی از آنها طی دهه ۱۹۹۰، ۴۹ میلیارد متر مکعب گاز از روسیه وارد ترکیه شد (ص ۱۲۵) و براساس قراردادی دیگر که در سال ۱۹۹۷ امضا شد، انتقال ۶ میلیارد متر مکعب گاز به ترکیه مورد توافق گرفت. مصرف گاز ترکیه در سال ۱۹۹۷، حدود ۱۲ میلیارد متر مکعب بوده که این میزان در سال ۲۰۰۵، به بیش از ۴۲ میلیارد متر مکعب بالغ خواهد شد

موقعیت خاص ژئوپلیتیک و همچنین احتیاجات انرژی ترکیه، این کشور را ناگزیر ساخته است سیاست خارجی و تحرک بین‌المللی فعالی داشته باشد. این دو ضرورت در کنار ظرافتهای خاص رهبران ترک، این کشور را به یکی از قدرتهای موثر خاورمیانه، آسیا و کشورهای در حال توسعه تبدیل ساخته است. گمان می‌رفت پس از فروپاشی شوروی، ترکیه به کشور خنثایی مانند بلغارستان یا پاکستان تبدیل شود، اما تنوع مسایل منطقه‌ای از مسئله انرژی گرفته تا موضوع اعراب - اسرائیل، همه و همه ترکیه را دوباره به جایگاهی شایسته ارتقا بخشیدند. شاهد این تحرک منطقه‌ای فعال ترکیه، همکاری جدی و چشمگیرانه این کشور با قدرتهای موثری چون آمریکا، روسیه، آلمان و سایر کشورهای اتحادیه اروپاست. ناچمانی با اشاره به این موقعیت، مناسبات کشوری روسیه و آمریکا با ترکیه را توضیح می‌دهد و دستاوردهای ترکیه در این زمینه را بر می‌شمارد. یکی از نمونه‌های بارز نگرش مثبت رهبران ترک به همکاریهای بین‌المللی را می‌توان در موضوع پ.ک.ک.

(ص ۱۲۵). این حجم از نیاز ترکیه به گاز طبیعی، این کشور را واداشته تا خود را به روسیه که دارنده بیش از ۴۰ درصد ذخایر ثابت شده گاز طبیعی است، نزدیک نماید. وجه دیگری از همکاری روسیه - ترکیه به حوزه‌های انرژی خزر مربوط می‌شود که دو کشور گاه در شرایط جنگ سرد قرار می‌گیرند و گاه همکاری را بر تعارض ترجیح می‌دهند. در خصوص همکاری ترکیه با آمریکا نویسنده به توافقی‌های دو کشور در دریای خزر و نیز کمک‌های نظامی آمریکا به ترکیه اشاره نموده است؛ بر این اساس آمریکا کشورهای منطقه را به همکاری با ترکیه تشویق می‌نماید و آنها را از همکاری بیشتر با رقبای ترکیه یعنی ایران باز می‌دارد که نمونه این دیپلماسی را می‌توان در احداث خط لوله باکو-جیحان که قرارداد قرن ۲۱ لقب یافت و قرار است پس از طی مسافتی به طول ۱۷۲۸ کیلومتر، سالانه ۲۵ میلیون تن نفت جمهوری آذربایجان و ۲۰ میلیون تن نفت قزاقستان را به بازارهای مصرف منتقل نماید، مشاهده کرد. این خط لوله که ۲٫۴ میلیارد دلار هزینه دارد ضمن خالی کردن ظرفیت راهبردی ایران، برای مدتی مدید

بین جبهه شمالی ایران پیوستگی راهبردی ایجاد خواهد کرد (ص ۱۳۵). بخش دیگری از همکاری ترکیه - آمریکا، دریافت کمک‌های ۸۰۰ میلیون دلاری به صورت سالانه است که ترکیه را در کنار اسرائیل، مصر و عربستان سعودی به مشتری تسلیحاتی آمریکا تبدیل کرده است. البته این همکاریها نافی اختلاف آمریکا - ترکیه در زمینه مسئله حقوق بشر (کردها)، پایگاه نظامی اینجریلیک و به خصوص عدم مشارکت ترکیه در جنگ علیه عراق نیست. به نظر می‌رسد ترکیه به صورتی احتیاط آمیز و تدریجی حرکتی را به سمت استقلال از آمریکا و نزدیکی به اتحادیه اروپا آغاز کرده است و انتقادهای ترک‌ها از اسرائیلی‌ها در همین راستا قابل تعبیر است. البته این ظرایف مورد توجه ناچمانی قرار نگرفته و نامبرده اساساً به تأثیر حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بر تحولات منطقه توجهی نداشته است.

۶. مناقشات ترکیه - یونان

برخلاف یونان که ۸۵۰ کیلومتر از قبرس فاصله دارد، ترکیه در ۹۵ کیلومتری این کشور - قبرس - که اصلی‌ترین موضوع

مورد مناقشه طرفین است، قرار دارد. ترکیه با جمعیتی حدود ۶۵ میلیون نفر (۶/۵ برابر یونان با ۱۰ میلیون جمعیت) و تولید ناخالص ملی بالغ بر دو برابر تولید ناخالص ملی یونان، مدعی است که قدرت فعال و مسلط منطقه ای است و همه همسایگان آن باید موقعیت آن را بپذیرند. در قبال برتری جویی ترکیه، یونان مدعی است که ترکیه در حدود بسط پان ترکسیسم تا قلب اروپاست و تلاش ترکیه برای تصرف شمال قبرس گامی برای نیل بدین برنامه است (ص ۱۶۶).

اختلاف دو کشور بر سر قبرس سبب شده تا مسابقه تسلیحاتی میان آن دو اوج گیرد. به گفته ناچمانی، یونان در بین اعضای ناتو بالاترین تخصیص هزینه به امور نظام را داراست. این درحالی است که کشور یونان ۹۵ درصد تسلیحات مورد نیازش را وارد و فقط ۵ درصد آن را در داخل تولید می کند (ص ۱۸۳). در قبال یونان، ترکیه هم تصمیم گرفته در ربع قرن اول سده بیست و یکم ۱۵۰ میلیارد دلار صرف مسایل نظامی کند (ص ۱۷۳). ترک ها بر آنند تا از طریق برتری فناوری نظامی تلاشهای جنگجویانه یونان را خنثی کنند. بر اساس استدلال کتاب حاضر،

حدود ۵ درصد نیروی کار یونان در صنایع نظامی اشتغال دارد، در حالی که فقط ۵ درصد تسلیحات مورد نیاز یونان در داخل تولید می شود؛ چنین رقمی قابل توجه است. طبق استدلال ترک ها، یونان عملاً در امور داخلی ترکیه مداخله می کند؛ همکاری سفیر یونان با اوجالان در نایروبی، مواضع همکاری جویانه یونانیان در قبال اعضای پ.ک.ک (ص ۱۷۰)، افتتاح دفتر نمایندگی پ.ک.ک در آتن و گسترش حدود دریایی به ۱۲ مایل دریایی، همگی حاکی از نیات توسعه طلبانه یونان و عقب راندن ترکیه از غربی است که سالهای متمادی در انتظار پیوستن به آن است. موضوع دیگری که در فصل ششم این کتاب قابل توجه است، عبارت است از نقش آمریکا در روابط بین دو کشور ترکیه و یونان. به ادعای نویسنده کتاب، آمریکا بزرگ ترین تأمین کننده اسلحه برای هر دو کشور است. آمریکا طی دهه ۱۹۹۰ بیشترین کمکهای تسلیحاتی را به ترکیه و پس از آن به عربستان سعودی، تایوان و اسرائیل نموده است (ص ۱۷۷).

۷. آشتی اسرائیل و ترکیه: پلی بر فراز خاورمیانه

پیمان همکاری ترکیه - اسرائیل را نویسندگان مختلف و متعددی بررسی کرده و القاب متعددی مانند پیمان بغداد - ۲، توطئه تحقیر آمیز یهودیان ثروتمند ترکیه (Donme)، تحول بی نظیر، سه تفنگدار، حرکت درخشان و شراکت راهبردی بدان اطلاق نموده اند. در سال ۲۰۰۲ حدود ۱۰۰ نویسنده در خصوص پیمان همکاری ترکیه - اسرائیل مطلب نوشته و آن را تمجید یا تحقیر نمودند. مطبوعات ترکیه در خصوص همکاری اسرائیل - ترکیه چنین نوشتند که: چگونه می توان به اسرائیل نزدیک نشد در حالی که پیشرفته ترین فن آوری نظامی، پیشرفته ترین سازمان جاسوسی و کارآمدترین لابی یهودی را داراست (ص ۲۰۲). برخی نویسندگان ترک همکاری با اسرائیل را مهم ترین حادثه در روابط خارجی طی نیم قرن اخیر معرفی می کنند. پس از امضای این پیمان، پرز، ترکیه را لوکوموتیو جهان اسلام خواند و آن کشور را ابرقدرت منطقه نامید. اسرائیل در حالی که در دهه ۱۹۵۰ به فرانسه، در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰

به ایران و در دهه ۱۹۸۰ به آفریقای جنوبی نزدیک شده بود، در دهه ۱۹۹۰ هم به ترکیه نزدیک شد و در سپتامبر ۱۹۹۱ بود که دکتر یوری گوردون به عنوان اولین سفیر اسرائیل در آنکارا مشغول به کار شد. ناچمانی بدون اینکه داوری خاصی در تقبیح یا تمجید رابطه با اسرائیل بکند، به شیوه ای بی طرفانه ادعا می کند که قرارداد اسرائیل - ترکیه معادلات قدرت در منطقه را عوض و مخالفان ترکیه در منطقه را تنبیه نمود؛ چرا که در پی این قرارداد، سوری ها بیش از بقیه اعراب برآشفته و آن را بزرگ ترین خیانت و ضربه به جهان عرب نامیدند.

بخش دوم مقاله آخر کتاب به مفاد توافق اسرائیل - ترکیه اختصاص دارد. به گفته ناچمانی این قرارداد دو بخش دارد: بخش اول آن پنج ساله است با ظاهری فنی و مضمونی اطلاعاتی؛ و بخش دیگر که اصل قرارداد را شامل می شود تماماً مربوط به مسایل اطلاعاتی است. به تعبیر ناچمانی ترک ها و اسرائیلی ها با این قرارداد، راهبرد ساندویچ را علیه مخالفان خود به کار بسته و آنها را محاصره نمودند. در پی همین توافق بود که سرویسهای امنیتی - اطلاعاتی

اسرائیل در دستگیری اوجالان به ترک‌ها کمک کردند و حرکت‌های تجزیه طلبانه کردها را به شدت محکوم نمودند. بر اساس پیمان همکاری دوجانبه، اسرائیلی‌ها متعهد شده‌اند که ضمن ارایه دانش و اطلاعات لازم در زمینه نیروی هوایی، دریایی و زمینی نسبت به بازسازی ماشین‌آلات نظامی و ادوات لجستیکی ترکیه اقدام نمایند.

در زمینه مسایل غیرنظامی، طرفین چهارده موضوع قابل پی‌گیری جهت همکاری متقابل استخراج کرده و در دستور کار قرار داده‌اند، این موضوعات عبارتند از: آموزش علمی، محیط زیست، پست و تلگراف، مقابله با قاچاق کالا، بهداشت، کشاورزی، مقررات گمرکی، منع مالیات‌های اضافه و همکاری‌های فنی و اقتصادی. طرفین قصد دارند سطح همکاری متقابل را از یک میلیارد دلار کنونی که در خاورمیانه بی‌نظیر بوده و ۱۵ درصد تجارت خاورمیانه‌ای ترکیه را شامل می‌شود، به چهار میلیارد دلار افزایش دهند که بازهم در خاورمیانه بی‌نظیر است. این سطح از همکاری هنگامی قابل توجه است که به پیشینه همکاری آن دو توجه کنیم؛ میزان همکاری تجاری ترکیه -

اسرائیل در سال ۱۹۹۰، بسیار کم و در حدود ۱۰۰ میلیون دلار بود، این میزان در سال ۱۹۹۵ به ۴۴۰ میلیون دلار و بالاخره در سال ۲۰۰۰ به یک میلیارد دلار رسید. این در حالی است که در سال ۱۹۸۷ صادرات ترکیه به اسرائیل ۱۹٫۸ میلیون دلار و صادرات اسرائیل به ترکیه حدود ۳۴٫۳ میلیون دلار بود، یعنی کل تجارت آن دو حدود ۵۴٫۱ میلیون دلار بوده و به عبارتی ۵٫۵ درصد میزان سال ۲۰۰۰ (ص ۲۲۷). ارتباط توریستی و دانشگاهی اسرائیل - ترکیه هم رشد چشمگیری یافته است؛ در سال ۱۹۸۶ فقط ۷۰۰۰ اسرائیلی از ترکیه دیدن کردند و در سال ۱۹۹۲، حدود ۱۶۰٫۰۰۰ نفر اسرائیلی وارد ترکیه شدند. این میزان در سال ۱۹۹۴، به ۳۵۰٫۰۰۰ نفر رسید. اگر هر یک از آنها فقط ۱۰۰۰ دلار ترکیه خرج کرده باشند، رقمی حدود ۳۵۰ میلیون دلار عاید ترکیه می‌شود. ناچمانی در زمینه همکاری علمی - پژوهشی دو کشور موارد متعددی آورده است؛ از جمله اینکه هفت دانشگاه معتبر اسرائیلی با ۱۳ دانشگاه ترکیه ارتباط منظم و رفت و آمدهای آکادمیک دارد.

همکاری اطلاعاتی، اقتصادی و علمی (ص ۲۲۳).

اسرائیل بدون مخالف نبود. در داخل ترکیه اسلام‌گرایان از اسرائیل دلخوشی نداشتند. به محض اینکه حزب رفاه در ترکیه به قدرت رسید و همکاری با کشورهای اسلامی را پی‌گرفت، رییس پارلمان اسرائیل در سال ۱۹۹۶ گفت: «ما خیال می‌کردیم در منطقه خاورمیانه دو قطب دموکراتیک داریم (اسرائیل - ترکیه)، اما دیگر معلوم نیست در ترکیه چه می‌گذرد» (ص ۲۰۶). علاوه بر حزب رفاه در داخل ترکیه، کشورهای اسلامی و عربی، ترکیه را پیمان شکن و مزدور نامیدند. سوریه اعلام کرد که ترکیه را از طریق پ.ک.ک و اسرائیل را از طریق حزب الله اذیت خواهیم کرد تا ادب شود (ص ۲۳۰). جهان عرب حمله ترکیه به شمال عراق و حمله اسرائیل به جنوب لبنان را از یک جنس خواند و هر دو را تجاوز نامید. علاوه بر این، سطح تبادل تجاری بین جهان عرب - ترکیه به شدت افت کرد. در حالی که در سال ۱۹۸۷، ۴۴ درصد صادرات ترکیه به جهان عرب و ۲۹ درصد واردات آن از جهان عرب بود، این میزان در سال ۱۹۹۶ به ترتیب به ۱۱ و ۸ درصد کاهش یافت

در سال ۱۹۹۱ حادثه زلزله در ترکیه رخ داد که نقش مهمی در گسترش روابط این کشور با سایر کشورها و رفع کدورت بین ترکیه - یونان داشت. اسرائیل با استفاده از دیپلماسی زلزله (Earthquake Diplomacy) فعالیت زیادی در جهت ترمیم وجهه نامساعد خود به انجام رساند. احداث روستای اسرائیلی - ترکیه ای از جمله این پروژه بود که دارای ۳۲۰ واحد مسکونی، مجهز به مغازه‌های لوکس، درمانگاه و سایر امکانات رفاهی است. در ابتدای این روستا پرچمی نصب شده که نقش اسرائیل - ترکیه را به همراه دارد. این زمینه به انضمام سیر توافقیهای مربوط به آب شرب، آینده روابط اسرائیل - ترکیه را بهبود خواهد بخشید. براساس توافق اولیه بین اسرائیل و ترکیه قرار است سالانه ۵۰ میلیون متر مکعب یعنی ۱۰ درصد آب شرب اسرائیل و ۲/۵ درصد کل آب مصرفی اسرائیل از طریق ترکیه تأمین شود. همکاری اسرائیل - ترکیه یادآور این ضرب‌المثل قدیمی است که: کسی که در خانه‌ای شیشه‌ای زندگی می‌کند، نباید سنگی پرتاب کند.

نتیجه گیری

آمیگام ناچمانی پس از ارایه تحلیلهای قوی و مستند، چنین نتیجه می گیرد که هر چند عده ای ترکیه را پس از فروپاشی شوروی، ابرقدرت منطقه، قلب منطقه و یا قدرت چند منطقه ای نامیدند، اما واقعیتها نشان می دهند که ترکیه در مسایل مناطقی از جمله جهان غرب، ایران، جهان اسلام، عرب های رادیکال، قومیت های خاورمیانه و غیره با دشواریهایی مواجه است. مهم تر از همه اینها مسایل داخلی ترکیه است و ترکیه باید خود را برای حل معضلات داخلی آماده نماید. ترکیه دو بحران اساسی دارد که یکی از آنها به اقتصاد داخلی و مسئله اقلیت کردها مربوط می شود و دیگری مسئله الحاق به اتحادیه اروپاست. اگر ترکیه به اروپا ملحق شود، پیامد آن تکثر گرایی، آزادی و پیشرفت است و اگر از الحاق به اتحادیه اروپا بازماند مجبور به اتخاذ سیاستهایی در زمینه ملی گرایی، رادیکالیسم و منطقه گرایی است. آینده جوایگوی ابهامات متعدد و تراکمی است که ترکیه را در بر گرفته است.

آنچه خواندید چکیده هفت فصل از کتاب ناچمانی بود که به سیاقی مستند و

سبکی روان نگاشته شده و در بین کتابهایی که در زمینه ترکیه نوشته شده اند، کم نظیر است. اشراف نویسنده کتاب، مباحث تئوریک و نیز تحولات روزمره در کنار مطالعات تاریخی او، کمک کرده است تا متن کتاب بسیار رسا و الگومند باشد. گرایشهای موردی نویسنده در جهت حمایت از جهت گیری دولت ترکیه و محکوم ساختن کشورها و حتی افکاری که به نحوی و در مواردی مخالف دولت ترکیه بوده اند، از جمله کاستیهای اساسی کتاب است. ضمن اینکه به نظر می رسد معضلات و دشواریهای اساسی ترکیه به فراخور اهمیتشان مورد توجه نویسنده واقع نشده است؛ به عنوان نمونه، به مسئله کردستان، علوی ها، اسلام گرایان و نقش آمریکا در ترکیه به اندازه ای که باید، پرداخته نشده است. به رغم این موارد جزئی، مطالعه این کتاب می تواند راهگشای علاقه مندان به خاورمیانه شناسی و پژوهشگران مسایل منطقه ای باشد.